

## نقش واسطه‌ای عاملیت شخصی در رابطه میان دلبستگی به والدین و هویت من در پیش‌بزرگسالی

### The mediating role of personal agency in the relationship between parental attachment and ego identity in emerging adulthood

Elaheh Hejazi, PhD<sup>✉</sup>

Nadia Rohani, MSc

Zahra Naghsh, PhD

الهه حجازی<sup>۱</sup>

نادیا روحانی<sup>۱</sup>

زهرا نقش<sup>۱</sup>

#### Abstract

Emerging adulthood as a distinct developmental stage emphasizes on the age range of 18 to 29 years. According to Arnett (2000), this developmental stage only occurs in industrialized countries, but accomplished researches have shown that emerging adulthood also exists in other cultures. According to importance of identity and personal agency and lack of sufficient knowledge of the aspects of this stage in Iran, the purpose of present study is to determine the mediating role of personal agency on the relationship between parental attachment and ego identity in emerging adulthood. In this study, the participants (N=540) were students from one of the universities of Tehran, between 18 to 29. They completed a survey consisted of: IDEA (The Inventory of the Dimensions of Emerging Adulthood), ECR-RS (The Experience in Close Relationships-Relational Structures), Personal Agency and EIPQ (Ego Identity Process Questionnaire). The results of Structural Equation Modeling (SEM) showed that attachment to parents has a direct and significant effect on personal agency and personal agency has a direct effect on ego identity, and also attachment to parents has indirect effect on ego identity. Consequently, the mediating role of personal agency in relationship between parental attachment and ego identity was confirmed. The model of father and mother has analyzed separately; the results showed that the father attachment had a greater effect on emerging adults' personal agency.

**Keywords:** Emerging Adulthood, Parental Attachment, Personal Agency, Ego Identity.

#### چکیده

پیش‌بزرگسالی به عنوان یک دوره تحولی بر بازه سنی ۱۸ تا ۲۹ سالگی تاکید دارد. از نظر آرنِت (۲۰۰۰) این دوره تحولی ویژه کشورهای توسعه یافته است، در حالی که پژوهش‌های انجام شده بیان‌گر حضور این مرحله تحولی در سایر جوامع نیز می‌باشد. با توجه به اهمیت دو سازه‌ی هویت و عاملیت و عدم شناخت کافی ابعاد پیش‌بزرگسالی در ایران، هدف مطالعه حاضر تعیین نقش واسطه‌ای عاملیت در رابطه دلبستگی به والدین و هویت من در پیش‌بزرگسالان است. جامعه‌ی آماری این پژوهش تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل یکی از دانشگاه‌های شهر تهران بودند که در بازه‌ی سنی ۱۸ تا ۲۹ سال قرار داشتند. نمونه‌ای با حجم ۵۴۰ نفر به صورت برخط به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. داده‌ها با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند و یافته‌ها نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مستقیم و معنی‌دار دلبستگی به والدین با عاملیت شخصی و عاملیت شخصی با هویت من و هم‌چنین رابطه‌ی غیرمستقیم و معنی‌دار دلبستگی به والدین و هویت من بودند.

لذا نقش واسطه‌ای عاملیت شخصی در رابطه‌ی میان دلبستگی به والدین و هویت من مورد تأیید قرار گرفت. هم‌چنین در این پژوهش مدل دلبستگی به مادر و پدر مورد مقایسه قرار گرفت، یافته‌ها نشان دادند که دلبستگی به پدر بر عاملیت شخصی پیش‌بزرگسالان اثر بیشتری دارد.

**واژه‌های کلیدی:** پیش‌بزرگسالی، دلبستگی به والدین، عاملیت شخصی، هویت من.

## ● مقدمه

آرنت (۲۰۰۰) برای اولین بار یک دوره تحولی جدید را در بین نوجوانی و بزرگسالی معرفی می‌کند، که حدوداً از اواخر دهه دوم زندگی آغاز و تا اواخر دهه سوم زندگی ادامه پیدا می‌کند، او بطور خاص بر بازه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال متمرکز شده است و دوره‌ای جدید به نام «پیش بزرگسالی (Emerging Adulthood)» را تعریف می‌کند (لین، ۲۰۲۰). این دوره که به واسطه‌ی تغییرات در سن ازدواج، والدگری، افزایش زمان تحصیل و به طور کلی مقتضیات جهانی شدن شکل گرفته است بیانگر طولانی شدن انتقال به بزرگسالی و دارای ویژگی‌های خاص خود نیز می‌باشد (آرنت، ۲۰۰۰؛ آرنت، ۲۰۰۷؛ آرنت، ۲۰۱۵). آرنت (۲۰۰۴)، ۵ ویژگی را برای این دوره تعریف می‌کند که عبارتند از: اکتشاف هویت (Identity exploration)، بی‌ثباتی (Instability)، تمرکز بر خود (Self-focused)، احساس بینابینی (Feeling in between) و در نظرگرفتن احتمالها (Possibilities). او «اکتشاف هویت» را اولین و مهم‌ترین ویژگی این دوره‌ی تحولی می‌داند. هم چنین برخی پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند فرآیند اکتشاف هویت بیشتر از آن که مرتبط با دوره نوجوانی باشد، در دوره پیش‌بزرگسالی رخ می‌دهد (شوارتز و همکاران، ۲۰۱۵).

اریکسون (۱۹۶۸) اولین کسی بود که هویت‌یابی را به‌عنوان پیشرفت مهم شخصیت نوجوانان و گامی مهم به سوی تبدیل شدن به فردی اجتماعی و دارای بهزیستی روانی تعیین کرد (راجرز، ۲۰۱۸). مارسیا (۱۹۶۶) کار اریکسون روی هویت شخصی را دنبال کرد و با گسترش نظریه او، حرکت از سردرگمی هویت به تحکیم هویت اریکسون را در یک سنخ‌شناسی مبتنی بر "پایگاه (Status)" به سمت ابعاد اکتشاف و تعهد (Exploration and commitment) متمرکز کرد. اکتشاف به عنوان جستجوی اهداف، ارزش‌ها و باورهای شخصی محسوب می‌شود که افراد ممکن است برای خودشان انتخاب کنند یا از آن دوری کنند. تعهد، ماندن در یک ایده، باور یا ارزش خاص و سپس دنبال کردن دوره‌ای از عمل یا اندیشه بر اساس آن تعهد است (ریا، ۲۰۱۳). مارسیا (۲۰۰۲) با کنار هم نهادن سطوح بالا و پایین اکتشاف و تعهد، چهار پایگاه سردرگم (Diffusion)، زودرس (Foreclosure)، دیررس (Moratorium) و موفق (Achievement) هویت را شناسایی کرد. هویت سردرگم، حالت بی‌تفاوتی حاصل از فقدان کاوش و احساس تعهد است؛ هویت زودرس، احساس تعهد بدون کاوش را نشان می‌دهد؛ هویت دیررس، نتیجه‌ی اکتشاف با جستجوی فعال، در غیاب نسبی تعهد است و پایگاه هویت موفق، با احساس تعهد نسبت به ارزش‌ها، عقاید و هدف‌ها بعد از یک دوره کاوش حاصل می‌شود (برک، ۱۳۹۰؛ ریا، ۲۰۱۳). تحقیقات زیادی به بررسی زمینه‌های تسهیل یا تضعیف شکل‌گیری هویت پرداخته‌اند و تحقیقات متعددی بین پایگاه هویت، تجربیات فرزندپروری و رابطه والدین-نوجوان روابط معناداری را نشان داده‌اند (به‌عنوان مثال آدامز و جونز، ۱۹۸۳؛ به نقل از کمپبل، آدامز و دوسون، ۱۹۸۴).

نوجوانی دوره‌ی انتقال از وابستگی کودکی به استقلال و مسئولیت‌پذیری بزرگسالی است. در این دوره، نوجوانان با دو مسئله‌ی اساسی جدایی-تفرد روان‌شناختی و حل بحران‌های هویتی درگیر هستند (مدلین، ۱۹۹۱؛ به نقل از واحدی و فتحی، ۱۳۸۹). یکی از عوامل مهم که ممکن است بر نحوه‌ی مدیریت تکالیف تحولی این دوره اثرگذار باشد، تجارب اولیه فرد با والدین و نوع رابطه عاطفی وی با آنها و همسالان است. نظریه دلبستگی از چارچوب‌های مهم ارزیابی مولفه‌های روابط والد-فرزند است (اینزورث، ۱۹۸۹، بالبی ۱۹۶۸؛ به نقل از واحدی و فتحی، ۱۳۸۹). تعامل با مراقب اولیه موجب تحول انتظاراتی درباره در دسترس بودن مراقب می‌شود که پایه‌ای برای مدل‌های کاری درونی از خود و دیگران محسوب می‌شود (موریس، مسترز و ون دن برگ، ۲۰۰۳؛ به نقل از پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۰a). مدل کاری مثبت موجب می‌شود که کودک با اطمینان از برآورده شدن نیازش، راهبردهای ایمنی را برای جستجوی مراقبان خود در زمان نیاز یا تنیدگی بکار برد. در مقابل کودکان دارای مدل کاری نایمن انتظار ندارند که در موارد نیاز، مراقب در دسترس بوده و از راهبردهای نایمن برای مقابله با تنیدگی خویش استفاده می‌کنند (موریس و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۰b). یکی از اصول مسلم دلبستگی، پایداری آن در طول زمان است. هرچند مدل‌های کارکرد درونی در طول زمان می‌توانند تغییر کنند، اما نوع دلبستگی در مراحل اولیه رشد تعیین‌کننده چگونگی اداره روابط بعدی می‌شوند (حجتی و همکاران، ۱۴۰۰). علی‌رغم اینکه نظریه‌ی دلبستگی از جمله

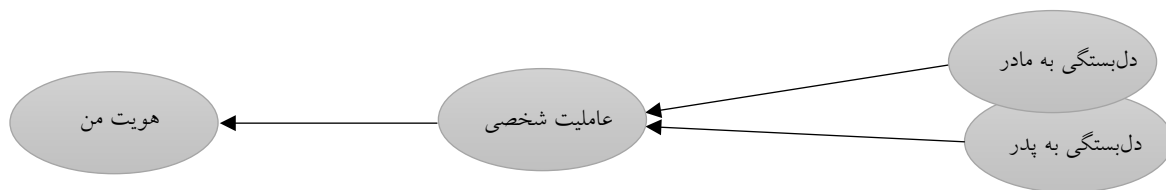
نظریه‌هایی است که در ابتدا بر رابطه‌ی مادر-کودک متمرکز بوده است، در ادامه پژوهش‌ها نشان دادند که هر چند روابط دلبستگی مادر-کودک و پدر-کودک در یک دوره‌ی تحولی ساخته می‌شوند، اما این دو رابطه مستقل از هم هستند و ایمنی دلبستگی به دو والد اغلب متفاوت است که نشان می‌دهد هر یک از این روابط در تعامل‌های خاصی شکل می‌گیرد (گراسمن و دیگران، ۲۰۰۲).

برای درک صحیح از یافته‌های پژوهشی در قلمرو مفهوم دلبستگی، در نظر گرفتن تمایز مفاهیم دلبستگی و وابستگی ضروری است. وابستگی در قطب متضاد استقلال روانشناختی قرار دارد (فانتی، ۲۰۰۵). نوجوانان طی کسب مهارت‌های ارتباطی این توانایی را می‌یابند تا رفتارهای دلبستگی خویش را در موقع لزوم تغییر داده و اتکای کم‌تری بر والدین به عنوان چهره‌های دلبستگی داشته باشند؛ به نظر می‌رسد رابطه مبتنی بر دلبستگی ایمن، انتقال از وابستگی به استقلال را تسهیل می‌کند (آلن و همکاران، ۲۰۰۲). از سوی دیگر اثر تغییر توازن میان دلبستگی و رفتار کاوش‌گرایانه در نوجوانان، افزایش ظرفیت نوجوان برای ارزیابی دوباره ماهیت روابط دلبستگی با والدین است (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸؛ به نقل از پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۰a). فرض نظریه دلبستگی در مورد مدل‌های کاری درونی که در کودکی شکل می‌گیرد، چنین است که بسیار ثابت و پایدار بوده و در روابط دوران نوجوانی و جوانی تاثیرگذار است (مارچاند، ۲۰۰۴). هازن و شیور (۱۹۹۰) دلبستگی را نظامی می‌دانند که خود را در روابط عاشقانه بزرگسالی نیز بروز می‌دهد؛ هم‌چنین کار از لحاظ عملکردی مشابه آن چیزی است که بالبی اکتشاف (Exploration) نامیده است. طبق دیدگاه‌های نظری مانند نظریه دلبستگی بالبی کیفیت والدینی بالا در ادراک مثبت از خود و دیگران سهم است و پایگاه امنی برای اکتشاف افراد فراهم می‌کند (بیرز و گوزنز، ۲۰۰۸؛ به نقل از محمدی و فولادچنگ، ۱۳۹۷). بندورا (۲۰۰۱) عاملیت را طراحی آگاهانه و اجرای عمدی کارها برای تاثیرگذاری بر رویدادهای زندگی دانسته است. تجربه‌ی کنترل شخص بر اعمال خودش و از طریق آن بر جریان رویدادها در دنیای بیرون، که ویژگی اصلی تجربه‌ی انسان را شکل می‌دهد، احساس عاملیت (Sense of Agency) نامیده می‌شود و بررسی نظام‌مند ساز و کارهای مغزی تولیدکننده‌ی آن به تازگی آغاز شده است (هاگارد، ۲۰۱۷). از نظر هیتلین و الدر (۲۰۰۶) چهار نوع حمایت اجتماعی شامل «حمایت بزرگسالان»، «حمایت معلمان»، «حمایت همگنان» و «توجه خانواده»، پیش‌آیندهای قوی برای عاملیت هستند. از نظر اریکسون (۱۹۶۸) شکل‌گیری حس منسجم هویت از احساس عاملیت، خود-راهبری (Self-direction) یا اعمال آزادانه‌ی انتخاب، بهره می‌برد (نقل از شوارتز و دیگران، ۲۰۰۵). افرادی که مسائل زندگی را به شیوه‌ی فعال نشانه می‌روند، حس منسجمی از هویت را شکل می‌دهند؛ در عوض افرادی که بیشتر روی آورد منفعل را اتخاذ می‌کنند، ممکن است در تشکیل هویت منسجم مشکل پیدا کنند (بک، ۱۹۹۲؛ به نقل از شوارتز و دیگران، ۲۰۰۵). یافته‌های شوارتز (۲۰۰۶) نشان داد بین عاملیت و شکل‌گیری هویت رابطه وجود دارد (به نقل از کوته و دیگران، ۲۰۱۶). پژوهش آرنت (۲۰۰۳) نیز نشان داد که افراد در مرحله پیش‌بزرگسالی از ظرفیت‌های عاملیت به درجات متفاوت استفاده می‌کنند، که به طور مستقیم به انسجام هویت منجر می‌شود.

پژوهش‌های اندکی در ایران به بررسی دوره‌ی تحولی "پیش‌بزرگسالی" پرداخته‌اند؛ از جمله پژوهش‌هایی که در ایران درباره‌ی این دوره از زندگی انجام گرفته است و در آن وضعیت هویت و رابطه‌ی آن با عاملیت شخصی در نظر گرفته شده است، پژوهش فتحی و همکاران (۱۳۹۷) است که از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، رابطه‌ی عاملیت با همه ابعاد پیش‌بزرگسالی می‌توان نام برد. عاملیت انسانی، سازه‌ای کاملاً پویاست که در ارتباط‌های اجتماعی شکل گرفته، توسعه می‌یابد و منجر به پیامدهای مثبت می‌شود (لرنر و بوش-روسناگل، ۱۹۸۱؛ به نقل از مهدوی‌مژده و همکاران، ۱۳۹۷). در رویکرد خود-تعیین‌گری والدین به عنوان اولین عوامل اجتماعی کردن فرزندان، نقش مهمی در ارضای نیازهای روان‌شناختی آنان دارند. والدینی که حامی خودمختاری فرزندان‌شان هستند و به آن‌ها اجازه می‌دهند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود شرکت کنند و مسائل خود را به طور مستقل حل کنند، در فرزندان‌شان ادراک حمایت از خودمختاری به وجود می‌آورند (گرولینک و همکاران، ۱۹۹۷).

با توجه به روابط شرح داده شده در بالا، مدل مفهومی این پژوهش به صورت شکل (۱) در نظر گرفته شده است. یکی از اهداف این پژوهش، مطالعه رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و فرآیند هویت بود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مدل‌های کاری درونی بر چگونگی تحول هویت اثر گذارند (کرپلمن و پیتمن، ۲۰۱۸). اما با توجه به پیچیدگی‌های این دو سازه گمان نمی‌رود

که رابطه‌ی میان این دو متغیر یک رابطه‌ی ساده باشد. به عبارتی دلبستگی به والدین اگرچه در کودکی شکل می‌گیرد اما می‌تواند به طرق مختلف بر شکل‌گیری هویت در پیش‌بزرگسالان اثر بگذارد (شیندرز و لین، ۲۰۱۸). هم‌چنین پژوهش شوارتز و همکاران (۲۰۰۵) با عنوان «هویت و عاملیت در پیش‌بزرگسالی: دو مسیر تحولی در فرآیند فردی‌سازی (Individualization)»، موید ارتباط قوی سه بعد شکل‌گیری هویت (سبک، پایگاه و فرآیند) با عاملیت در فرآیند فردی‌سازی است. لذا با نظر به این یافته‌ها می‌توان به این فرض رسید که عاملیت شخصی می‌تواند در رابطه‌ی بین دلبستگی به والدین و هویت من، نقش واسطه‌ای ایفا کند. از دیگر اهداف این پژوهش مقایسه‌ی نقش دلبستگی به پدر و مادر در رابطه‌ی عاملیت شخصی و هویت من است. که با توجه به یافته‌های پژوهش‌های انجام گرفته می‌توان انتظار داشت مسیرهای متفاوتی برای دلبستگی به پدر و مادر در این روابط وجود داشته باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

پژوهش پیش رو با هدف کلی تعیین رابطه‌ی دلبستگی به والدین و عاملیت شخصی با هویت من در پیش‌بزرگسالی انجام گرفته است. با توجه به ارتباط این سازه‌ها با یکدیگر در چارچوب نظری، این پژوهش قصد دارد در چارچوب یک مدل علی، نشان دهد که چگونه هویت من توسط سبک‌های دلبستگی از طریق واسطه‌گری عاملیت شخصی پیش‌بینی می‌گردد. از آنجایی که بررسی رابطه‌ی میان خود سازه‌ها هدف این پژوهش است و نه ابعاد آن‌ها، از مدل معادلات ساختاری استفاده به عمل آمد. سوال اصلی این پژوهش نیز به این قرار است که آیا دلبستگی به مادر و پدر سهم متفاوتی در تبیین عاملیت فرزندشان دارند یا خیر؟

## • روش

جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دختر و پسر در بازه‌ی سنی ۱۸ تا ۲۹ سال دانشگاه‌های شهر تهران در پاییز سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند. نمونه‌گیری از نوع هدف‌مند و با هدف انتخاب جوانان در محدوده سنی مرحله تحولی پیش-بزرگسالی انجام گرفت. با توجه به شیوع ویروس کووید-۱۹ و تعطیلی سراسری دانشگاه‌های کشور، پرسشنامه‌ای متشکل از ۴ ابزار به صورت برخط در گروه‌های مجازی دانشگاه‌های شهر تهران قرار داده شد. در توضیحات پرسشنامه خواسته شده بود که افراد دانشجو در بازه‌ی سنی ۱۸-۲۹ سال به پرسشنامه پاسخ دهند. در طول مدت یک‌ماه، ۵۵۶ نفر داوطلبانه به پرسشنامه پاسخ دادند، از آن‌جا که در ابتدای پرسشنامه سال تولد افراد پرسیده شده بود، ۱۶ نفر به دلیل قرار نداشتن در بازه‌ی سنی مورد نظر از داده‌ها کنار گذاشته شدند و در نهایت داده‌های مربوط به ۵۴۰ نفر (۳۵۴ زن و ۱۸۶ مرد) مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۲ سال و ۸ ماه بود. شاخص‌های آماری در این پژوهش، شامل انحراف استاندارد ۲/۹۹، کجی ۰/۴۴- و کشیدگی ۰/۷۳-، بوده است؛ که نشان دهنده‌ی توزیع نرمال نمونه‌ی مورد بررسی است. هم‌چنین در این پژوهش برای راستی آزمایی داده‌های به دست آمده، از تحلیل عامل تائیدی با استفاده از نرم افزار Amos برای تمامی ابزارها استفاده شد؛ که شاخص‌های برازش مناسب مدل تحلیل عاملی و هم‌چنین بار عاملی گویه‌ها در سطح معناداری ۰/۰۱، نشان داد که مولفه‌های مورد نظر به خوبی توسط گویه‌ها سنجش شده‌اند.

## ابزارهای پژوهش

سیاهه ابعاد پیش‌بزرگسالی (Inventory of the Dimensions of Emerging Adulthood): این ابزار دارای ۶ خرده مقیاس اکتشاف هویت (۷ ماده)، در نظر گرفتن احتمالات/خوش‌بینی (۵ ماده)، بی‌ثباتی/منفی بودن (۷ ماده)، تمرکز روی خود

(۶ ماده)، احساس بینابینی (۳ ماده) و تمرکز روی دیگران (۳ ماده) را با مجموعاً ۳۱ ماده‌ی بسته پاسخ در مقیاس لیبرت از (۱) کاملاً مخالفم تا (۴) کاملاً موافقم می‌سنجد. ریفرن و دیگران (۲۰۰۷) چنین نظر دارند که این سیاهه دارای ساختار عاملی معقول، اعتبار بالا و برخی هم‌بستگی‌های معنادار با سازه‌های موجود در آثار مکتوب است. خرده مقیاس‌های این پرسش‌نامه هم‌سانی درونی قوی با آلفای ۰/۷ تا ۰/۸۵ را نشان دادند (به نقل از فتحی و همکاران، ۱۳۹۷). نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز روایی سازه‌ی ابزار را تأیید کرده است. برای سنجش اعتبار این ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب کلی مقیاس، ۰/۷۶ و ضریب آلفای خرده مقیاس‌های اکتشاف هویت، در نظر گرفتن احتمالات/خوش‌بینی، بی‌ثباتی/منفی بودن، تمرکز روی خود، احساس بینابینی و تمرکز روی دیگران به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۶۲، ۰/۷۳، ۰/۶۳، ۰/۵۵ و ۰/۶۲ به دست آمد. ساختار عاملی سیاهه موجود از طریق تحلیل مولفه‌های اصلی به روش تحلیل عامل تأییدی، مورد آزمون قرار گرفت.

### تجارب روابط نزدیک - ساختار رابطه (Structures Experiences in Close Relationships-Relationship)

فریلی و همکاران (۲۰۱۱)، اولین نسخه از سنجش روایی و اعتبار نسخه‌ی جدید (ECR) را با عنوان پرسشنامه‌ی تجارب روابط نزدیک در ساختار رابطه (ECR-RS) منتشر کردند (به نقل از روشا و همکاران، ۲۰۱۷). این پرسشنامه از ۳۶ ماده که ۹ ماده آن در هر حوزه رابطه است (پدر، مادر، شریک عاشقانه و بهترین دوست)، تشکیل شده است که در هر حوزه‌ی رابطه، ۶ ماده اول برای سنجش بعد اجتنابی و ۳ ماده آخر برای سنجش بعد اضطرابی است. هر حوزه‌ی رابطه در طیف ۷ امتیازی از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نمره گذاری می‌شود. ۴ ماده اول برای هر حوزه‌ی رابطه به صورت منفی نمره گذاری می‌شود. با توجه به نمره‌ای که فرد در محدوده‌ی ۱ تا ۷ در دلبستگی اضطرابی و اجتنابی کسب می‌کند می‌توان وی را در زیر گروه ایمن و زیر گروه نایمن قرار داد. این پرسشنامه توسط پوراوری و همکاران (۱۳۹۳) در ایران ترجمه شد و اعتبار، روایی و ساختار عاملی آن در جامعه ایرانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که مدل دو عاملی با استفاده از دو عامل اجتناب و اضطراب در هر حوزه، در جامعه‌ی ایرانی برازش دارد. ضریب آلفای کرونباخ، بالاتر از ۰/۷ و در حد رضایت‌بخشی بود. علاوه بر این، ضریب بازآزمایی این پرسشنامه پس از دو هفته فاصله‌ی زمانی بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۰ بود. قابل ذکر است که در این پرسشنامه، ارزیابی هر حوزه‌ی رابطه به صورت مستقل صورت می‌گیرد و دو عامل دلبستگی اضطرابی و دلبستگی اجتنابی را در بر دارد (روشا و همکاران، ۲۰۱۷).

در پژوهش حاضر با توجه به هدف پژوهش و سنجش دلبستگی به والدین، تنها ماده‌های مربوط به حوزه رابطه با پدر و مادر آورده شد که مجموعاً شامل ۱۸ ماده بود. هم‌چنین پاسخ‌ها در طیف ۴ امتیازی از ۱ (کاملاً مخالفم)، ۲ (مخالفم)، ۳ (موافقم) و ۴ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری شدند. هر فرد نمره‌ای بین (۲۴-۶) در بعد اجتنابی و (۱۲-۳) در بعد اضطرابی در هر حوزه‌ی رابطه کسب می‌کند. نمرات بالاتر نشان‌دهنده‌ی مقدار بیشتری دلبستگی نایمن در هر حوزه‌ی رابطه است. هم‌چنین با توجه به نمره‌ای که فرد در محدوده‌ی ۱ تا ۴ در دلبستگی اضطرابی و اجتنابی کسب می‌کند، می‌توان وی را در زیر گروه ایمن و یا زیرگروه نایمن قرار داد. اگر میانگین هر دو نمره‌ی دلبستگی اضطرابی و اجتنابی در هر حوزه کم‌تر از ۲/۵ باشد، فرد در گروه ایمن قرار می‌گیرد و در غیر این صورت در گروه دلبستگی نایمن قرار می‌گیرد. برای سنجش اعتبار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب کلی مقیاس، ۰/۸۷ و ضریب آلفای کرونباخ به طور کلی در رابطه با مادر ۰/۸۴ و در رابطه با پدر ۰/۸۳ به دست آمد.

### ابزار سنجش عاملیت شخصی: از آن‌جا که عاملیت سازه‌ای نسبتاً جدید است، و ابزار کمی برای سنجش آن به‌طور خاص

در دنیا وجود دارد. در پژوهش حاضر پرسشنامه‌ای که مهدوی‌مژده و همکاران (۱۳۹۷) برای سنجش عاملیت تهیه نموده‌اند به کار رفته است. این مقیاس برای سنجش عاملیت، سه مولفه‌ی هدف‌مندی، آینده‌اندیشی و خودکارآمدی (مجموعاً ۲۱ گویه) را مورد آزمون قرار می‌دهد. برای سنجش هدف‌مندی از ابزار هیتلن و الدر (۲۰۰۶) شامل ۷ گویه استفاده شد. ماده‌های مولفه‌ی آینده‌اندیشی از پژوهش یون (۲۰۱۱) برگرفته شده است (۴ ماده)؛ از ابزار خودکارآمدی عمومی (GSE) به‌عنوان یکی از مولفه‌های عاملیت استفاده شد (۱۰ ماده). روایی و اعتبار هدف‌مندی اثبات شده است (هیتلن و الدر، ۲۰۰۷). آلفای کرونباخ

برای آینده اندیشی، ۰/۷۲ گزارش شده است (یون ۲۰۱۱). روایی و اعتبار ابزار خودکارآمدی در ۲۳ کشور مختلف به اثبات رسیده و آلفای کرونباخ آن ۰/۷۶-۰/۹ بوده است (به نقل از مهدوی‌مژده و همکاران، ۱۳۹۷).

در پژوهش حاضر پاسخ‌ها به صورت طیف ۴ درجه‌ای از ۱ (اصلاً درست نیست) تا ۴ (کاملاً درست است) مرتب شده بودند. به منظور بررسی روایی ابزار سنجش عاملیت، از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. تحلیل‌های مربوط به کفایت نمونه‌برداری (KMO و آزمون بارتلت)، نشان دهنده‌ی قابلیت اجرای تحلیل عاملی و قابل اطمینان بودن ساختار عاملی به دست آمده است. هم‌چنین برای تعیین تعداد و محتوای عامل‌های ابزار، درصد واریانس تبیین‌شده و نمودار سنگ‌ریزه‌ای مورد توجه قرار گرفت. پس از استفاده از روش‌های چرخش واریماکس و حذف ماده‌ی مبهم، ساختار ۳ عاملی پرسشنامه به دست آمد؛ ۳ عامل به‌طور تراکمی ۵۱/۹۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. ماده شماره ۳ به دلیل نداشتن بار عاملی (بالای ۰/۳) از تحلیل کنار گذاشته شد. سپس ساختار عاملی کشف شده، از طریق مولفه‌های اصلی به روش تحلیل عاملی تأییدی مورد آزمون شد و مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش اعتبار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب کلی مقیاس، پس از حذف ماده‌ی شماره ۳، ۰/۸۹ و ضریب آلفای کرونباخ برای خودکارآمدی، ۰/۹۰، هدف‌مندی، ۰/۷۷ و برای آینده‌اندیشی، ۰/۷۱ به دست آمد.

### پرسشنامه فرآیند هویت من (Ego Identity Process Questionnaire): پرسشنامه‌ی فرآیند هویت من، در سال

۱۹۹۵ توسط بالستری و همکارانش تهیه شد؛ این پرسشنامه افراد را در پایگاه‌های هویت مانند ماریسیا طبقه‌بندی می‌کند. مولفه‌های پرسشنامه به صورت ۲۰ عبارت مثبت و ۱۲ عبارت منفی نوشته شده است که مطابق با دستورالعمل تست و با استفاده از مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. برای مشخص شدن پایگاه‌های هویتی بر اساس نمره فرد در هر دو بعد تصمیم‌گیری می‌شود. در پژوهش حاضر پاسخ‌ها به صورت طیف ۴ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) مرتب شده بودند. به منظور بررسی روایی ابزار سنجش فرآیند هویت من، از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. از آن‌جا که در این پژوهش قصد داشتیم، دو بعد تعهد و اکتشاف را در فرآیند هویت من مورد بررسی قرار دهیم، تحلیل عاملی اکتشافی با ۲ بعد برای تعیین روایی ابزار صورت گرفت. تحلیل‌های مربوط به کفایت نمونه‌برداری (KMO و آزمون بارتلت)، نشان دهنده‌ی قابلیت اجرای تحلیل عاملی و قابل اطمینان بودن ساختار عاملی به دست آمده است. هم‌چنین برای تعیین تعداد و محتوای عامل‌های ابزار، درصد واریانس تبیین‌شده و نمودار سنگ‌ریزه‌ای مورد توجه قرار گرفت. پس از استفاده از روش چرخش واریماکس و حذف ماده‌ی مبهم، ساختار ۲ عاملی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. طبق نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی، ماده‌های شماره (۱، ۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۷ و ۳۰) به دلیل نداشتن بار عاملی و یا داشتن همبستگی تقریباً برابر با هر دو بعد تعهد و اکتشاف کنار گذاشته شدند و مجموعاً ۸ ماده از تحلیل‌ها حذف شدند. از این میان درواقع ۸ ماده (۹، ۱۰، ۱۳، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴ و ۲۸)، بعد اکتشاف را سنجش می‌کنند و ۱۶ ماده (۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۱، ۳۲) بعد تعهد را می‌سنجند. این ۲ عامل به‌طور تراکمی ۲۵/۸۴ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. ساختار عاملی کشف شده، از طریق مولفه‌های اصلی به روش تحلیل عاملی تأییدی نیز مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش اعتبار آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پس از حذف ۸ ماده در تحلیل عاملی اکتشافی، ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس، ۰/۷۸ به دست آمد.

### فرآیند اجرا

پس از آماده سازی ابزارها، نسخه‌ی الکترونیکی تمامی پرسشنامه‌ها از طریق سامانه‌ی پرس‌لاین تهیه شد. و پس از شناسایی گروه‌های دانشجویی در فضای مجازی، لینک پرسشنامه در داخل گروه‌ها قرار داده شود. در بالای هر لینک توضیح مختصری درباره‌ی پژوهش و هم‌چنین تأکید بر داوطلبانه بودن پاسخ‌دهی و محرمانه بودن پاسخ‌ها ارائه شد. پس از گذشت یک ماه و جمع‌آوری ۵۶۰ پرسشنامه، داده‌ها برای غربال‌گری گروه سنی و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. پاسخ‌دهندگان می‌توانستند از طریق آدرس الکترونیکی، با پژوهش‌گر ارتباط گرفته و پرسش‌های خود را مطرح کنند.



## • یافته‌ها

جدول (۱) نشان‌دهنده‌ی شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش است. هم‌چنین میزان کجی و کشیدگی متغیرها در بازه‌ی (+۲ و -۲) قرار دارد که حاکی از نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مولفه	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
اکتشاف هویت	۱/۴۳	۴/۰۰	۳/۲۲	۰/۴۵	-۰/۲۱	۰/۰۶
احتمالات	۱/۶۰	۴/۰۰	۳/۱۱	۰/۴۲	-۰/۱۷	۰/۳۲
بی‌ثباتی	۱/۲۹	۴/۰۰	۲/۷۲	۰/۵۰	۰/۰۷	-۰/۰۹
بینابینی	۱	۴/۰۰	۲/۹۸	۰/۵۴	-۰/۱۳	۰/۱۱
تمرکز روی خود	۱/۶۷	۴/۰۰	۳/۲۶	۰/۴۰	-۰/۳۹	۰/۲۸
تمرکز روی دیگران	۱	۴/۰۰	۲/۸۲	۰/۵۹	-۰/۰۵	-۰/۲۲
دل بستگی اضطرابی پدر	۱	۴/۰۰	1/72	۰/۷۱	۰/۷۳	-۰/۱۴
دل بستگی اجتنابی پدر	۱	۴/۰۰	2/68	۰/۷۰	-۰/۰۲	-۰/۳۷
دل بستگی اضطرابی مادر	۱	۴/۰۰	1/62	۰/۶۲	۰/۸۵	۰/۱۹
دل بستگی اجتنابی مادر	۱	۴/۰۰	2/46	۰/۷۲	-0/04	-۰/40
خودکارآمدی	۱/۱۰	۴/۰۰	۲/۸۵	۰/۵۵	-۰/14	-0/09
هدف‌مندی	۱/۳۳	۴/۰۰	۳/۰۷	۰/۴۹	-۰/27	۰/05
آینده‌اندیشی	۱/۲۵	۴/۰۰	۳/۲۰	۰/۵۵	-۰/41	۰/15
اکتشاف	۱/۰۰	۴/۰۰	۲/۷۹	۰/۴۳	-۰/۱۱	۱/۰۵
تعهد	۱/۰۶	۴/۰۰	۲/۳۳	۰/۴۳	۰/۲۲	۰/۲۶

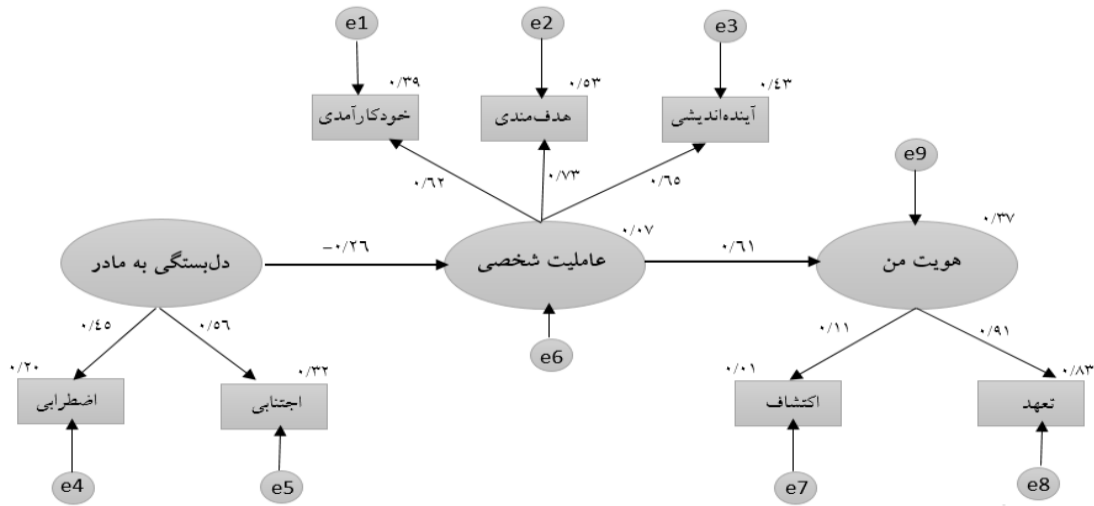
در ادامه تحلیل‌های مرتبط با آمار استنباطی آورده شده است. و پیش از انجام تحلیل آزمون‌های مربوطه، مفروضه‌های عدم هم‌خطی از طریق شاخص‌های VIF و تولرانس در رگرسیون خطی و بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از طریق کجی و کشیدگی بررسی شده است. به منظور پاسخ‌دهی به اهداف اصلی پژوهش، ۲ مدل مربوط به دل بستگی به مادر و دل بستگی به پدر، با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری آزمون شدند. در جدول (۲) همبستگی میان تمامی مولفه‌های مورد ارزیابی در پژوهش آورده شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی مولفه‌های پژوهش

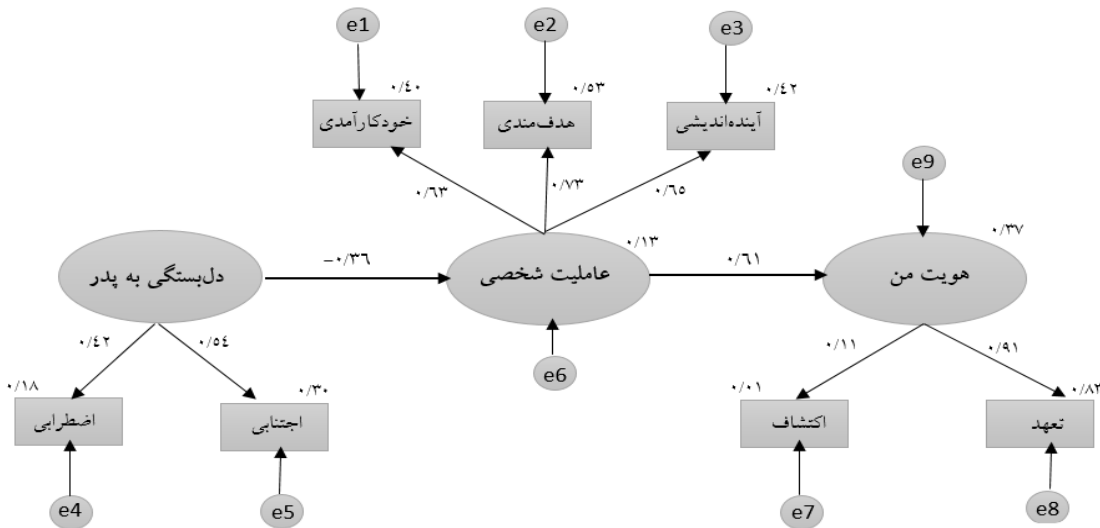
نام مولفه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱. اکتشاف هویت															
۲. احتمالات	۰/۴۱**														
۳. بی‌ثباتی	۰/۰۶	۰/۱۰*													
۴. بینابینی	۰/۲۹**	۰/۱۹**	۰/۲۸**												
۵. تمرکز روی خود	۰/۴۶**	۰/۴۷**	۰/۱۹**	۰/۱۱*											
۶. تمرکز روی دیگران	۰/۱۴**	۰/۰۳	۰/۳۱**	۰/۰۴	۰/۳۲**										
۷. دل بستگی اضطرابی پدر	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۴									
۸. دل بستگی اجتنابی پدر	۰/۰۶	۰/۱۱*	۰/۰۹*	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۲۳**								
۹. دل بستگی اضطرابی مادر	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۵۷**	۰/۱۹**							
۱۰. دل بستگی اجتنابی مادر	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۹*	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۱۸**	۰/۳۸**						
۱۱. خودکارآمدی	۰/۱۴**	۰/۱۴**	۰/۲۹**	۰/۰۸	۰/۲۱**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۲۰**	۰/۰۹*	۰/۱۰*					
۱۲. هدف‌مندی	۰/۱۵**	۰/۱۱*	۰/۱۷**	۰/۰۳	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۱۲**	۰/۱۰*	۰/۰۸	۰/۴۶**				
۱۳. آینده‌اندیشی	۰/۲۷**	۰/۱۵**	۰/۰۹*	۰/۰۱	۰/۲۴**	۰/۲۱**	۰/۰۶	۰/۰۹*	۰/۰۳	۰/۱۱*	۰/۳۸**	۰/۴۸**			
۱۴. اکتشاف	۰/۲۰**	۰/۱۱**	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۱۸**	۰/۱۹**	۰/۰۴	۰/۰۹*	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۳۸**	۰/۳۸**	۰/۳۸**		
۱۵. تعهد	۰/۱۰*	۰/۱۳**	۰/۱۹**	۰/۱۰*	۰/۳۲**	۰/۰۰	۰/۲۱**	۰/۲۱**	۰/۰۸	۰/۱۶**	۰/۱۱*	۰/۱۷**	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸

(p\*\* ≤ ۰/۰۱, p\* ≤ ۰/۰۵)

به منظور بررسی نقش واسطه‌ای عاملیت شخصی در رابطه میان دل‌بستگی به مادر و پدر و هویت من با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار ایموس، مدل مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحلیل مدل دل‌بستگی به مادر در شکل (۱) و دل‌بستگی به پدر در شکل (۲) نمایش داده شده است. همچنین ضرایب اثرات مستقیم و غیر مستقیم هر دو مدل در جدول (۳) گزارش شده است.



شکل ۱. مدل آزمون شده‌ی دل‌بستگی به مادر



شکل ۲. مدل آزمون شده‌ی دل‌بستگی به پدر

جدول ۴. برآورد اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل دل‌بستگی به مادر و پدر

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
اثر دل‌بستگی به مادر بر:				
عاملیت شخصی	-۰/۲۶**	--	-۰/۲۶**	
هویت من	--	-۰/۱۷**	-۰/۱۷**	۳۷٪
اثر عاملیت شخصی بر:				
هویت من	۰/۶۱**	--	۰/۶۱**	
اثر دل‌بستگی به پدر بر:				
عاملیت شخصی	-۰/۳۶**	--	-۰/۳۶**	
هویت من	--	-۰/۲۲**	-۰/۲۲**	۳۷٪
اثر عاملیت شخصی بر:				
هویت من	۰/۶۱**	--	۰/۶۱**	

( $p^{**} \leq 0.01, p^* \leq 0.05$ )



جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل دل‌بستگی به مادر و پدر

مشخصه	برآورد مدل مادر	برآورد مدل پدر
نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )	۲/۷۰	۴/۱۵
جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۵	۰/۰۷
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۸	۰/۹۷
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۹۶	۰/۹۴
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۵	۰/۹۲
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۳	۰/۹۰

جدول (۵) شاخص‌های برازش هر دو مدل را نشان می‌دهد، مقادیر ( $GFI, AGFI, CFI, NFI \geq 0.9$ )، ( $0.8 < RMSEA \leq 5$ ) و ( $\chi^2/df \leq 5$ )، برای شاخص‌های برازندگی در معادلات ساختاری، نشان‌دهنده‌ی برازش مطلوب مدل هستند (به نقل از هوپر و همکاران، ۲۰۰۸). با در نظر گرفتن مقادیر مطلوب شاخص‌های برازش، خواهیم دید که شاخص‌های به دست آمده از پژوهش حاضر از برازش مناسب مدل‌ها خبر می‌دهد.

همان‌طور که از مقادیر به دست آمده از مدل‌های معادلات ساختاری دل‌بستگی به مادر و پدر دیده می‌شود، مقدار واریانس تبیین شده برای هویت من از هر دو مدل، یکسان و برابر با ۳۷ درصد می‌باشد. از طرف دیگر اثر مستقیم دل‌بستگی نایمن بر عاملیت شخصی، در دو مدل پدر و مادر تفاوت‌هایی دیده می‌شود؛ به طوری که اثر مستقیم و استاندارد دل‌بستگی نایمن به مادر و پدر بر عاملیت شخصی، به ترتیب برابر با ۰/۲۶- و ۰/۳۶- هستند. که نشان می‌دهد بالا بودن نمرات دل‌بستگی به پدر در دو بعد اضطرابی و اجتنابی، تاثیر منفی بیشتری بر عاملیت شخصی دارد. میزان اثر مستقیم استاندارد عاملیت شخصی بر هویت من، در هر دو مدل برابر با ۰/۶۱ می‌باشد. هم‌چنین اثر غیرمستقیم استاندارد دل‌بستگی نایمن به مادر بر هویت من، ۰/۱۷- و میزان این اثر برای دل‌بستگی نایمن به پدر بر هویت من، ۰/۲۲- است؛ که این یافته‌ها نشان می‌دهد، چنان‌چه نمره‌ی دل‌بستگی نایمن فرد به والدین در دو بعد اضطرابی و اجتنابی بالا رود، به واسطه‌ی عاملیت بر ابعاد هویت فرد اثر منفی می‌گذارند.

## • بحث

چنان‌چه در جدول (۱) دیده شد، نمونه‌ی دانشجویان ایرانی در ویژگی‌های پیش‌بزرگسالی که توسط آرنت (۲۰۰۴) معرفی شده‌اند، نمراتی بیش از میانگین کسب کردند. این نمرات در نشان‌گرهای، اکتشاف هویت، احتمالات، بی‌ثباتی، بینابینی، تمرکز روی خود و تمرکز روی دیگران به ترتیب ۳/۲۲، ۳/۱۱، ۲/۷۲، ۲/۹۸، ۳/۲۶ و ۲/۸۲ می‌باشد. این یافته‌ها با ادبیات پژوهش، مبنی بر اینکه دانشجویان در این محدوده‌ی سنی، در مورد توصیف وضعیت بزرگسالی خود، با ابهام روبه‌رو هستند (آرنت، ۱۹۹۷)، هم‌خوانی دارد. با توجه به نتایج این پژوهش که سازگار با نتایج پژوهش‌های مشابه در کشورهای مختلف جهان (مانند سایتر، ۲۰۰۹، در هند؛ چمبرلین، ۲۰۱۳، در استرالیا؛ چک و آتک، ۲۰۱۵، در ترکیه) و هم‌چنین پژوهش‌های انجام گرفته در ایران (فتحی و همکاران، ۱۳۹۷ و نقی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰) است، پیش‌بزرگسالی به عنوان یک دوره‌ی تحولی جدید در جامعه‌ی ایرانی مورد تایید قرار گرفت. با نظر به نتایج فوق و برجسته بودن مسائل مربوط به هویت در این مرحله و هم‌چنین کم بودن حمایت‌های اجتماعی و بالا بودن تمرکز روی خود در این مرحله، عاملیت شخصی نقش قابل توجهی در تکالیف مربوط به هویت دارد. وجود رابطه‌ی مثبت عاملیت با ویژگی‌های اکتشاف هویت، آزمایش‌گری و تمرکز روی خود جدول (۲)، با مفهوم عاملیت و تعاریف آن (بندورا، ۲۰۰۱) سازگار است. هم‌چنین نتایج پژوهش حاضر از اثر منفی و معنادار دل‌بستگی نایمن به پدر و مادر بر عاملیت شخصی خبر می‌دهد. با توجه به اینکه در پژوهش‌های مربوط به دل‌بستگی، عموماً تاکید اصلی بر رابطه‌ی مادر و کودک است و بررسی‌های کمی روی نقش پدران در این فرآیند صورت می‌گیرد، در این پژوهش به بررسی جداگانه‌ی مدل‌های دل‌بستگی به پدر و مادر پرداخته شد، تا بتوانیم مقایسه‌ای میان مسیرهای این دو مدل انجام دهیم. از نظر گراسمن و همکاران (۲۰۰۲)، هرچند که روابط دل‌بستگی مادر-کودک و پدر-کودک در یک دوره‌ی تحولی ساخته می‌شوند، ولی این دو رابطه مستقل از هم ساخته شده و ایمنی دل‌بستگی با دو والد اغلب متفاوت است، که نشان می‌دهد هر کدام از این رابطه‌ها توسط

تعامل‌های خاصی شکل می‌گیرد. این یافته‌ها هم‌سو با نظر لوی و همکاران (۱۹۹۸) است که معتقد بودند ظرفیت تفرد به وسیله‌ی بازنمایی‌های والدین به عنوان حمایت‌کننده و پرورش‌دهنده تسهیل می‌شود و برخلاف دلبستگی نایمن به والدین، سبک دلبستگی ایمن، جدایی-تفرد فرزندان را ترغیب می‌کند (به نقل از لاپسلی و ادگرتون، ۲۰۰۲). بنابراین در این دیدگاه، دلبستگی فرآیندی پویا است که رشد به واسطه‌ی حمایت هیجانی مورد نیاز برای خودمختاری را تسهیل می‌کند (به نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۹۷) دلبستگی به والدین مستقیماً می‌تواند بر تصمیم‌سازی و خودکارآمدی جوانان اثر بگذارد (ال-حسن و قلابینی، ۲۰۲۰). هم‌چنین مطالعات پیشین (آلن و همکاران، ۲۰۰۲ و کسیدی و شاور، ۲۰۰۸) مویید این نکته است که رابطه‌ی مبتنی بر دلبستگی ایمن، انتقال از دلبستگی به استقلال و خودمختاری را تسهیل می‌کند. در مقابل دلبستگی نایمن می‌تواند مانعی در برابر استقلال، خودمختاری و عاملیت جوانان باشد.

بر مبنای یافته‌های این پژوهش، عاملیت شخصی بر هویت من اثر مستقیم دارد. نتایج نشان داد که اثر مستقیم عاملیت شخصی بر هویت من، مثبت و معنادار است. این نتایج با یافته‌های پژوهش طالبیان و دیگران (۱۳۸۲)، مبنی بر وجود رابطه‌ی بین برخی از ویژگی‌های شخصیتی و پایگاه‌های هویت و پژوهش فتحی و همکاران (۱۳۹۷) که بیان‌گر رابطه‌ی مثبت و معنادار بین عاملیت و چهار ویژگی هویتی پیش‌بزرگسالی است، سازگار می‌باشد. هم‌چنین این نتایج با یافته‌های شوارتز و دیگران (۲۰۰۵) و شوارتز (۲۰۰۶)، به نقل از کوته و دیگران (۲۰۱۶) و رینولدز و اریکسون (۲۰۱۷) مبنی بر وجود رابطه‌ی میان عاملیت و شکل‌گیری هویت، هم‌خوانی دارد. بر مبنای پیشینه‌ی نظری این پژوهش (شوارتز و دیگران، ۲۰۰۵؛ الدر و دیگران، ۲۰۰۳، به نقل از مک میلان، ۲۰۰۷) کاهش حمایت‌های خارجی در دوره‌ی پیش‌بزرگسالی، اکتشاف هویت را به یک پروژه‌ی شخص تبدیل می‌کند، لذا افراد با عاملیت بالا در این فرآیند موفق‌تر عمل خواهند کرد (آرنت، ۲۰۱۸).

## • نتیجه‌گیری

به طور کلی یافته‌های پژوهش نشان داد که عاملیت شخصی در رابطه‌ی میان دلبستگی به والدین و هویت من نقش واسطه‌ای دارد. تاکنون پژوهشی که دقیقاً به این موضوع پرداخته باشد، صورت نگرفته است. اما پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۶) و پژوهش کوردیرو و همکاران (۲۰۱۸) با نتایج این پژوهش سازگار است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که با وجود تمام مطالعاتی که از اثرگذاری خانواده بر شکل‌گیری هویت خبر می‌دهند (هم‌چون برزونسکی، ۲۰۰۴؛ برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۷؛ بیرس و گوسنر، ۲۰۰۸) و پژوهش‌های انجام‌گرفته در ایران (حجازی و نگهبان سلامی، ۱۳۸۸؛ ثنایی ذاکر و مرادی، ۱۳۹۵)، نظر به پیچیدگی‌های سازه‌ی دلبستگی و هویت، رابطه‌ی بین دلبستگی به والدین و هویت من، یک رابطه‌ی ساده به نظر نمی‌آید. علی‌رغم اینکه پژوهش‌های اندکی به بررسی متغیرهای واسطه در این بین پرداخته‌اند، اما شواهدی (هم‌چون سوننس و همکاران، ۲۰۰۵؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۶) نشان داده‌اند که هویت، ممکن است تحت تاثیر ویژگی‌های شخصیت قرار گیرد، فرضی که در پژوهش حاضر نیز مورد تأیید قرار گرفت. داشتن عاملیت شخصی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی است، که به خصوص در دوره‌ی پیش‌بزرگسالی، اکتشاف هویت را تسهیل می‌کند (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۵؛ فتحی و همکاران، ۱۳۹۷). نکته‌ی مهم در یافته‌های این پژوهش آن است که پیش‌بزرگسالان با وجود داشتن دلبستگی نایمن به والدین‌شان، با واسطه‌ی عاملیت می‌توانند به هویت مستحکم دست یابند.

این پژوهش در دوران قرنطینه ناشی از بیماری کووید-۱۹ انجام شده است که موجب اجرای پرسشنامه‌ها به صورت برخط شده است. از سوی دیگر نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش، دانشجویان شهر تهران بودند لذا در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود. هم‌چنین انجام مشابه این پژوهش بر روی پیش‌بزرگسالان غیر دانشجویی و مقایسه نتایج آنان با دانشجویان پیشنهاد می‌گردد؛ این کار می‌تواند ابعاد پنهان این مرحله را تا حدی آشکار سازد. ورود نشان‌گرهای پیش‌بزرگسالی در مدل مفهومی و بررسی رابطه‌ی آن‌ها با دیگر متغیرها می‌تواند در شناسایی بیش‌تر این مرحله‌ی تحولی موثر باشد. مقایسه و بررسی ویژگی‌های پیش‌بزرگسالی در هر دو جنس، از دیگر موارد ناشناخته‌ی این دوره تحولی، به خصوص در فرهنگ ما است. از آن‌جا که عاملیت سازه‌ای جدید و هم‌چنین مبهم و پیچیده است و با نظر به این‌که این سازه می‌تواند با توجه به بافت فرهنگی

و ارزشی هر جامعه، فردگرا بودن یا جمع‌گرا بودن آن، ابعاد و اشکال متفاوتی داشته باشد، لازم است که درباره‌ی تفاوت‌های احتمالی این سازه در خرده فرهنگ‌های گوناگون، بررسی و پژوهش انجام شود.

## • منابع

- اتحادی، الهام؛ پاکدامن، شهلا؛ صالح صدق پور، بهرام. ۱۳۹۲. بررسی ویژگی‌های روانسنجی و هنجاریابی پرسشنامه فرایند هویت من. علوم رفتاری. ۰-۲۷. 1.
- برک، لورا (۱۳۹۲). روانشناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران.
- بشارت، محمدعلی؛ شفیعی، رزا؛ رحیمی‌نژاد، عباس. ۱۳۹۶. رابطه بین کنش‌وری ادراک‌شده خانواده و سبک‌های هویت: نقش واسطه‌ای استحکام من. خانواده‌پژوهی. ۷-۲۴.
- پاکدامن، شهلا؛ سادات سیدموسوی، پریسا؛ قنبری، سعید؛ سعید: ۱۳۹۰a. کیفیت دل‌بستگی و مشکلات رفتاری-هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران. روانشناسی کاربردی 100-85.
- پاکدامن، شهلا؛ سادات سیدموسوی، پریسا؛ قنبری، سعید؛ ملحی، سعید. ۱۳۹۰b. کیفیت دل‌بستگی به والدین و نشانه‌های درونی سازی شده و برون‌سازی شده در نوجوانان: بررسی مقایسه‌ای پدران و مادران. پژوهش‌های نوین روانشناختی 23-21.
- ثنایی‌ذاکر، باقر؛ مرادی، علی (۱۳۹۵). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با سبک‌های هویت و تعهد فرزندان. کنفرانس ملی دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و جامع روانشناسی ایران.
- حجازی، الهه؛ نگهبان سلامی، محمود، ۱۳۸۸. رابطه سبک‌های دل‌بستگی به والدین و همسالان با سبک‌های هویت در نوجوانان. روانشناسی و علوم تربیتی ۱. ۱۰۷.
- حجتی، قصیده؛ نقش، زهرا؛ خدایاری فر، محمد. ۱۴۰۰. رابطه بین سبک دل‌بستگی و هویت اخلاقی: نقش واسطه‌ای همدلی. روانشناسی. شماره ۹۸ دوره ۲۵. ۲۱۵-۲۳۵.
- حیدری، آتنا؛ قربانی، نیما؛ پورحسین، رضا. تعیین رابطه سبک‌های دل‌بستگی با میزان رضایت از زندگی: نقش واسطه‌ای رضایتمندی از نیازهای بنیادی روانی. فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی. ۱۳۹۷؛ ۱۷ (۷۰): ۶۴۳-۶۵۰.
- طالبیان، شریف؛ حسینی، گودرزی؛ نیک فرجام، معصومه. ۱۳۸۲. بررسی رابطه پایگاه هویت و ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد. مطالعات تربیتی و روانشناسی. 397. 1.
- محمدی، حمیده؛ فولادچنگ، محبوبه. ۱۳۹۷. نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان. روانشناسی. شماره ۸۷ دوره ۲۲. ۳۲۵-۳۰۸.
- مهدوی‌مزه، مامک؛ حجازی، الهه؛ نقش، زهرا. ۱۳۹۷. رابطه ادراک از سبک‌های والدینی با تاب‌آوری: نقش واسطه‌ای عاملیت انسانی. روانشناسی. ۳۲۶-۳۴۳.
- فتحی، محمدرضا؛ کیامنش، علی رضا؛ جم‌هری فرهاد. ۱۳۹۷. نقش عاملیت انسانی، جنس و سن در ویژگی‌های هویتی: بزرگسالی در حال ظهور آرنت. روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی. ۳۳-۴۴.
- پورآوری، مینو؛ قنبری، سعید؛ زاده محمدی، علی؛ پناغی، لیلی. ۱۳۹۳. اعتبار، پایایی و ساختار عاملی پرسش‌نامه تجارب روابط نزدیک - ساختار رابطه. اندیشه و رفتار روان‌شناسی بالینی. ۳۱-۴۷.
- نقی زاده، محمدعلی؛ لاری، نرجس؛ حجازی، الهه؛ صالحی، کیوان؛ (۱۴۰۰). بررسی کیفی ویژگی‌های دوره تحولی ظهور بزرگسالی در دانشجویان ایرانی: فرهنگ و جنسیت، فصلنامه روانشناسی، ۲۵(۱)، ۳-۳۱.
- واحدی، شهرام؛ فتحی، آیت اله. ۱۳۸۹. رابطه‌ی دل‌بستگی به والدین و همسالان با جدایی روان‌شناختی دانشجویان دختر و پسر جدیدالورود. پژوهش‌های نوین روانشناختی ۱۷. ۱۵۱.
- Allen, J. P., Hauser, S. T., O'Connor, T. G., & Bell, K. L. (2002). Prediction of peer-rated aduithostility from autonomy struggles in adolescent-family interactions. *Development and Psychopathology*, 14: 123-137.
- Arnett, J. J. (1997). Young people's conceptions of the transition to adulthood. *Youth & society*, 29(1), 3-23.
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55, 469-480.
- Arnett, J. J. (2003). Conceptions of the transition to adulthood among emerging adults in American ethnic groups. *New Directions in Child and Adolescent Development*, 100.63-75.
- Arnett, J.J. (2004). *Emerging Adulthood: the winding road from the late teens through the twenties*. New York, NY: Oxford University Press.
- Arnett, J. J. (2011). Emerging adulthood(s): The cultural psychology of a new life stage. In L. A. Jensen (Ed.), *Bridging cultural and developmental psychology: New syntheses in theory, research, and policy* (pp. 255-275). New York,

NY: Oxford University Press.

- Arnett, J. J. (2015). *Emerging adulthood: The winding road from the late teens through the twenties*. 2-nd edition. New York: Oxford Press University.
- Arnett, J. J. (2018). Conceptual foundations of emerging adulthood. In *Emerging adulthood and higher education* (pp. 11-24). Routledge.
- Arnett, J. J., & Tanner, J.L. (2009). Toward a cultural-developmental stage theory of the life course. In K. McCartney & R. Weinberg (Eds.), *Development and experience: A festschrift in honor of Sandra Wood Scarr* (pp. 17–38). New York, NY: Taylor & Francis.
- Balistreri, E., Busch-Rossnagel, N. A., & Geisinger, K. F. (1995). Development and preliminary validation of the Ego Identity Process Questionnaire. *Journal of adolescence*, 18(2), 179-192.
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: An agentic perspective. *Annual Review of Psychology*. 52, 1-26.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*, 1, 303-315.
- Berzonsky, M. D., Branje, S. J. T., & Meeus, W. (2007). Identity-processing style, psychosocial resources, and adolescents' perceptions of parent-adolescent relations. *Journal of Early Adolescence*, 3, 324-345.
- Beyers, W., & Goossens, L. (2008). Dynamics of perceived parenting and identity formation in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 31, 165-184.
- Campbell, E., Adams, G. R., & Dobson, W. R. (1984). Familial correlates of identity formation in late adolescence: A study of the predictive utility of connectedness and individuality in family relations. *Journal of youth and adolescence*, 13(6), 509-525.
- Cassidy, J., & Shaver, P. R. (2008). *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 419-435). New York: Guilford Press.
- Chamberlain, D. L. (2013). *Emerging Adulthood and Reflexive Modernity: Defining on Adult Identity in Early 21st Century Australia*. (Doctoral dissertation), Griffith University.
- Çok, F., & Atak, H. (2015). Emerging adulthood in Turkey: Does it (yet) exist?. *Online Journal of Counseling & Education*, 4(3), 46-75.
- Cordeiro, P. M. G., Paixão, M. P., Lens, W., Lacante, M., & Luyckx, K. (2018). Parenting Styles, Identity Development, and Adjustment in Career Transitions: The Mediating Role of Psychological Needs. *Journal of Career Development*, 45(1), 83–97. <https://doi.org/10.1177/0894845316672742>.
- Cote, J. E., & LeCote, J. E., Mizokami, S., Roberts, S. E., & Nakama, R. (2016). An examination of the cross-cultural validity of the Identity Capital Model: American and Japanese students. compared. *Journal of Adolescence*, 46, 76-85vine, C. G. (2002). *Identity Formation. Agency and Cultural*.
- El-Hassan, K., & Ghalayini, N. (2020). Parental attachment bonds, dysfunctional career thoughts and career exploration as predictors of career decision-making self-efficacy of Grade 11 students. *British Journal of Guidance & Counselling*, 48(5), 597-610.
- Fanti, K. A. (2005). The parent-adolescent relationship and college adjustment over the freshman year.
- Fraley, R. C., Heffernan, M. E., Vicary, A. M., & Brumbaugh, C. C. (2011). The experiences in close relationships—Relationship Structures Questionnaire: A method for assessing attachment orientations across relationships. *Psychological assessment*, 23(3), 615.
- Grolnick, W.S., Deci, E.L. & Ryan, R.M. (1997). *Internalization within the family: The self-determination theory perspective. Parenting and children's internalization of values: A handbook of contemporary theory*, New York: Wiley.
- Grossmann, K. E., Remmer-Bombik, E., Kindler, H., Scheuerer-Englisch, H., & Zimmermann, P. (2002). The uniqueness of the child-father attachment relationship: Fathers sensitive and challenging play as a pivotal variable in 16-year longitudinal study: *Social Development*, 11: 307 331.
- Haggard, P. (2017). Sense of agency in the human brain. *Nature Reviews Neuroscience*, 18, 196-207.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1990). Love and work: An attachment-theoretical perspective. *Journal of Personality and social Psychology*, 59(2), 270.
- Hitlin, S., & Elder, G. H. Jr. (2006). Agency: An empirical model of an abstract concept. *Advances in life course research*, (11), 33-67.
- Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. R. (2008). Equation modelling: Guidelines for determining model fit. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 6(1), 53-60.
- Kerpelman, J. L., & Pittman, J. F. (2018). Erikson and the relational context of identity: Strengthening connections with attachment theory. *Identity*, 18(4), 306-314.
- Lane, J. A. (2020). Attachment, Ego Resilience, Emerging Adulthood, Social Resources, and Well-Being among Traditional-Aged College Students. *Professional Counselor*, 10(2), 157-169..
- Lapsley, D.K., & Edgerton, J. (2002). Separation Individualization, Adult Attachment Style, and College Adjustment, *Journal of Counseling and Development*, 80, 484-495.
- Macmillan, R. (2007). Constructing adulthood: Agency and subjectivity in the transition to adulthood. *Advanced in life course research*, (11), 3-29.
- Marchand, J. F. (2004). Husbands' and wives' marital quality: The role of adult attachment orientations, depressive symptoms, and conflict resolution behaviors. *Attachment & Human Development*, 6(1), 99-112.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of personality and social psychology*, 3(5), 551.
- Marcia, J. E. (2002). Identity and psychosocial development in adulthood. *Identity: An international journal of theory and research*, 2(1), 7-28.
- Reifman, A., Arnett, J. J., & Colwell, M. J. (2007). Emerging adulthood: Theory, assessment and application. *Journal of Youth Development*, 2(1), 37-48.
- Reynolds, C., & Erikson, E. (2017). Agency, identity, and the emergence of ritual experience.

- Socius,3,2378023117710881. <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/2378023117710881>.
- Rhea, R. (2013). An exploration of the relationship of identity formation, agency, and religiosity with respect to the acceptance and use of pornography in Christian undergraduate emerging adults. Biola University.
- Rocha, G. M. A. D., Peixoto, E. M., Nakano, T. D. C., Motta, I. F. D., & Wiethaeuper, D. (2017). The Experiences in Close Relationships-Relationship Structures Questionnaire (ECR-RS): validity evidence and reliability. *Psico-USF*, 22(1), 121-132. [https://www.scielo.br/scielo.php?pid=S1413-82712017000100121&script=sci\\_arttext](https://www.scielo.br/scielo.php?pid=S1413-82712017000100121&script=sci_arttext).
- Rogers, L. O. (2018). Who am I, who are we? Erikson and a transactional approach to identity research. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 18(4), 284–294. <https://doi.org/10.1080/15283488.2018.1523728> .
- Schnyders, C. M., & Lane, J. A. (2018). Gender, parent and peer relationships, and identification with emerging adulthood among college students. *Journal of College Counseling*, 21(3), 239–251. <https://doi.org/10.1002/jocc.12106> .
- Schwartz, S. J., Côté, J. E., & Arnett, J. J. (2005). Identity and agency in emerging adulthood: Two developmental routes in the individualization process. *Youth & Society*, 37(2), 201-229.
- Schwartz, S. J., Zamboanga, B. L., Luyckx, K., Meca, A., & Richie, R. (2015). Identity development in emerging adulthood. In J. J. Arnett (Ed.), *Oxford handbook of emerging adulthood*. New York, NY: Oxford University Press.
- Seiter, L. N. (2009). *Emerging adulthood in India*. (Doctoral dissertation), Brigham Young University-Provo. <http://scholarsarchive.byu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2977&context=etd> [2016/25/02].
- Soenens, B., Duriez, B., & Goossens, L. (2005). Social-psychological profiles of identity styles: Attitudinal and social cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 28, 107-125.
- Yoon, H. J. (2011). *The Development and Validation of the assessment of human agency employing Albert Bandura's Human agency theory* .submitted in partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of philosophy .The Pennsylvania State University.